

خبر



پیش‌بینی کاهش رشد اقتصاد جهانی

در نشست تازه صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن، این نهاد با بازنگری در گزارش پیشین خود، رشد اقتصاد جهانی را کمتر از قبل برآورد کرده است.

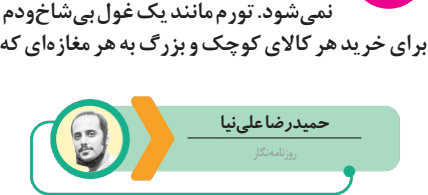
صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی خود را در سال جاری با یک‌دهم واحد کاهش به ۲.۸ درصد رسانده است. به گزارش این نهاد احتمال تشدید بحران مالی وجود دارد اما در حال حاضر با اتخاذ سیاست‌های مالی تأثیر این بحران در حال کنترل است. اقتصاد جهان در سال جاری عمده‌تا به دلیل وضعیت کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه در اروپا، کند خواهد بود. بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول رشد منطقه یورو از ۳.۵ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۰.۸ درصد در سال جاری کاهش خواهد یافت. در همین بازه زمانی، رشد در کل اقتصادهای در حال ظهور به‌ندرت کاهش می‌یابد و در برخی از آن‌ها به‌ویژه هند و چین شتاب خواهد داشت. پیر-اولیو به گورینشاس، مشاور اقتصادی و مدیر تحقیقات صندوق بین‌المللی پول تأکید کرد، این صندوق قبلاً در ماه اکتبر هشدار داده بود که «خطر بعدی در لیست، یک بحران مالی خواهد بود. به نظر می‌رسد طوفان در حال فروکش کردن است و سناریوی اصلی آژانس محدود کردن بحران ناشی از فروپاشی بانک سیلیکون‌ولی، بانک سیگنچر و کردیت بانک سوییس است».

به همین دلیل انتظار می‌رود تأثیر بحران مالی جدید بر پیش‌بینی‌های جهانی اندک باشد. با این حال صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی رشد خود برای سال ۲۰۲۴ را یک‌دهم واحد کاهش داده و به ۰.۳ درصد رسانده است. با وجود این کاهش پیش‌بینی، سال جدید با چند خبر خوب آغاز شد. اقتصاد بازگشایی شده چین به‌شدت در حال بازگشت و اختلالات زنجیره تأمین در حال از بین رفتن است. گورینشاس معتقد است: «در حالی که اختلالات ناشی از جنگ در بازارهای انرژی و مواد غذایی کاهش می‌یابد، به‌طور هم‌زمان، انقباض گسترده و سیاست پولی که توسط اکثر بانک‌های مرکزی به کار گرفته شده باید به ثمر نرسشته و تورم رو به کاهش گذارد.» با وجود این، در میان تورم سرسختانه بالا و اشفنگی‌های اخیر بخش مالی، نشانه‌هایی مبنی بر اینکه اقتصاد جهانی می‌تواند در اوایل سال ۲۰۲۳ با کاهش تورم و رشد ثابت به فرودی نرم دست یابد کاهش یافته است. برآوردهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد، اسپانیا که در بهبود پس از بیماری همه‌گیر عقب مانده است، امسال ۱.۵ درصد رشد خواهد کرد، دو برابر ایتالیا و فرانسه، اما هنوز هم از ۵.۵ درصد سال ۲۰۲۲ فاصله زیادی دارد. همچنین بریتانیا از رشد چهار درصدی در سال گذشته با یک افت ۰.۳ درصدی در رشد اقتصادی سال ۲۰۲۳ مواجه خواهد بود. وضعیت پیش‌بینی رشد اقتصادی ایالات متحده کمی بهتر است اما همچنان رو به افول دارد و از ۲.۱ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱.۶ درصد در سال جاری و ۱.۱ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت. بر اساس این پیش‌بینی در همین بازه زمانی، رشد در کل کشورهای با اقتصاد در حال ظهور به‌ندرت کاهش می‌یابد و در برخی از آن‌ها به‌ویژه هند و چین شتاب می‌گیرد. با این حال، رشد اقتصادی آمریکای لاتین نیز کند خواهد شد؛ این منطقه پس از ثبت رشد ۴ درصدی در سال ۲۰۲۲، تنها ۱.۶ درصد در سال جاری و ۲.۲ درصد در سال آینده رشد خواهد کرد. صندوق بین‌المللی پول برای برزیل افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) را از ۰.۹ درصد در سال جاری به ۱.۵ درصد پیش‌بینی کرده، در حالی که انتظار می‌رود تولید رشد ناخالص داخلی مکزیک از ۱.۸ به ۱.۶ درصد برسد.

گورینشاس هشدار داد که تورم تا حدودی بیش از حد انتظار بوده است. «ترخ تورم به‌دلیل کاهش قیمت انرژی و مواد غذایی نسبت به سال گذشته و زمانی که جنگ اوکراین آغاز شد، به‌شدت در حال کاهش است اما اکنون تورم اصلی، که انرژی و غذا را در بر نمی‌گیرد، در بسیاری از کشورها هنوز به اوج خود نرسیده است.»

جهان

گزارش



تورم اقتصادی، افزایش مداوم سطح کلی قیمت کالاها و خدمات در یک اقتصاد در یک بازه زمانی معین است.به‌عبارت دیگر تورم یعنی کاهش قدرت خرید پول که منجر به افزایش هزینه‌های زندگی می‌شود. تورم زمانی رخ می‌دهد که پول زیادی در سطح اقتصاد وجود دارد و در برابر آن کالاها و خدمات کمی برای خریدن موجود است؛ وضعیتی که منجر به افزایش تقاضا و متعاقب آن افزایش قیمت‌ها می‌شود. این امر می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند افزایش عرضه پول، کاهش عرضه کالا و خدمات و افزایش هزینه‌های تولید باشد و یا تمامی این عوامل را با هم در خود داشته باشد.

تورم می‌تواند با تأثیر از عوامل مختلفی از جمله عدم تعادل عرضه و تقاضا، سیاست‌های دولت و شرایط اقتصادی رخ دهد. همچنین می‌تواند اثرات مثبت یا منفی بر اقتصاد داشته باشد. به‌عنوان مثال، تورم متوسط می‌تواند سرمایه‌گذاری را تشویق و تقویت کند، در حالی که تورم بالا می‌تواند منجر به کاهش قدرت خرید و کاهش رشد اقتصادی شود. به همین دلیل در وضعیت‌های خاص اقتصادی، مدیریت کلان اقتصادی می‌تواند با ایجاد یک تورم عمدی وضعیت مناسبی را برای سرمایه‌گذاری یا اهداف مشابه به وجود آورد. بانک‌های مرکزی و دولت‌ها از ابزارها و سیاست‌های مختلفی برای مدیریت سطوح تورم و حفظ ثبات قیمت‌ها استفاده می‌کنند.

تأثیر تورم بر زندگی افراد

تورم به هر صورتی که ایجاد شود می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر زندگی مردم عادی داشته باشد. مثلاً یکی از راه‌های تأثیر گذاری تورم اقتصادی بر زندگی افراد «کاهش قدرت خرید» است. به این صورت که با افزایش قیمت کالاها و خدمات به‌دلیل تورم، قدرت خرید پولی که در دست مردم است کاهش می‌یابد. این بدان معناست که آن‌ها می‌توانند کالاها و خدمات کمتری را با همان مقدار پول خریداری کنند؛ امری که سطح زندگی آن‌ها را پایین می‌آورد. تأثیر دیگر تورم بر زندگی افراد عادی «هزینه‌های بالاتر استقراض» یا همان نرخ بهره بیشتر است؛ زمانی که تورم رشد می‌کند، بانک‌های مرکزی می‌توانند نرخ بهره را افزایش دهند تا از طریق آن وضعیت تورمی را کنترل کنند. این سیاست می‌تواند هزینه‌های وام گرفتن را بالا ببرد و دریافت وام یا وام مسکن را برای افراد گران‌تر یا کم‌شمرتر کند.

شکل دیگر اثر تورم بر زندگی افراد «تأثیر بر پس انداز» است. تورم می‌تواند بر پس انداز افراد نیز تأثیر بگذارد. اگر نرخ بهره در حساب‌های پس انداز با تورم همگام نباشد، ارزش واقعی پس انداز در طول زمان کاهش خواهد یافت. به همین علت مردم به اشکال دیگری از پس انداز روی می‌آورند. شیوه‌های دیگری که می‌تواند همگام با تورم ارزش پول ذخیره‌شده را حفظ کند، مانند سرمایه‌گذاری در سهام یا سایر دارایی‌هایی که در طول دوره‌های تورمی عملکرد خوبی دارند. نکته مهمی که می‌توان ذیل مسئله تغییر شکل پس انداز در دوره تورم به آن اشاره کرد تبدیل یک «تیباز ضروری اولیه» یعنی مسکن به کالای سرمایه‌ای است. تورم می‌تواند منجر به درخواست سرمایه‌گذاری در حوزه زمین و مسکن شود که در نهایت افزایش شدید قیمت در این بخش را به دنبال دارد. به این ترتیب نیاز ضروری و اولیه انسان، یعنی نیاز به سرپناه هم به جرگه «کالا» اضافه خواهد شد. تبدیل نیازهای اولیه و ضروری بشر به کالا، تغییرات شدید و بنیادینی در سطوح فرهنگی ایجاد خواهد کرد.

تأثیر دیگر تورم را «رکود دستمزدها» می‌نامند؛ در برخی موارد، تورم ممکن است از رشد دستمزدها پیشی بگیرد و منجر به کاهش دستمزدهای واقعی شود. این امر می‌تواند تأمین هزینه‌های زندگی را برای مردم بسیار سخت کند. مسئله‌ای که توزیع مجدد دستمزدها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و به نابرابری دامن می‌زند.

زیرا برخی از گروه‌ها نسبت به گروه‌های دیگر برای مقابله با افزایش قیمت‌ها مجهز ترند. به‌عنوان مثال، افرادی که دارای درآمد ثابت‌اند یا درآمد پایینی دارند، در مقایسه با افرادی که درآمد بالاتری دارند می‌توانند به‌طور نامتناسبی تحت تأثیر تورم قرار گیرند این‌ها تنها چند نمونه از چگونگی تأثیر تورم بر مردم عادی است. تورم می‌تواند اثرات پیچیده و گسترده‌ای بر اقتصاد و جامعه داشته باشد. باید در نظر داشت که تورم می‌تواند حفظ استانداردها زندگی افراد را دشوار تر کند و منجر به

در دنیای امروز زندگی اقتصادی به اشکال مختلفی بر سایر عرصه‌های حیات انسان تأثیر می‌گذارد. یکی از این جنبه‌های اقتصادی «تورم» است که اکنون دیگر تنها یک واژه اقتصادی محسوب نمی‌شود. تورم مانند یک غول بی‌شاخ و دم در هر گوشه و کناری به آدم‌های معمولی چشمک می‌زند. برای خرید هر کالای کوچک و بزرگ به هر مغازه‌ای که وارد می‌شوید با «تورم» مواجه‌اید. اگر از این زاویه به

بی‌ثباتی اقتصادی شود که اثراتش در اشکال مختلف فرهنگی و اجتماعی نیز قابل رؤیت است.

دلایل و راهکارهای مقابله با تورم

در یک نگاه کلی باید در نظر داشت که تمامی انواع بحران‌های اقتصادی به کلیت سیستم اقتصادی مرتبط است. رابطه پیچیده‌ای بین سیستم اقتصاد جهانی سرمایه‌داری و بحران‌های تورمی وجود دارد. سرمایه‌داری که یک نظام اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و ایجاد کالاها و خدمات برای کسب سود است، می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که بحران‌های تورمی بروز و ظهور پیدا کند. منطق دنبال کردن سود در سیستم سرمایه‌می‌تواند جرقه تورم را روشن کند. در یک نظام سرمایه‌داری، بنگاه‌ها برای افزایش سود از طریق افزایش قیمت‌ها تشویق می‌شوند؛ مسئله‌ای که می‌تواند تورم ایجاد کند.

این امر به‌ویژه در صنایعی که رقابت در آن‌ها محدود است یا موانع زیادی برای ورود به آن‌ها وجود دارد و شرکت‌ها قدرت قیمت‌گذاری را در دست دارند صادق است.

سفته‌بازی مالی راه دیگری است که سیستم اقتصادی حاکم می‌تواند از طریق آن جامعه را دچار شرایط تورمی کند. در سرمایه‌داری، بازارهای مالی نقش مهمی در تخصیص سرمایه و مدیریت ریسک دارند.

با این حال، سفته‌بازی مالی می‌تواند منجر به حباب‌های دارایی شود که با ترکین این حباب‌ها تورم ایجاد می‌شود. در نهایت، سرمایه‌داری می‌تواند با ایجاد عدم تعادل ساختاری در اقتصاد به تورم دامن بزند. به‌عنوان مثال، نابرابری در درآمد می‌تواند موجب تقاضا برای کالاها و خدمات لوکس شود که افزایش تورم را به همراه دارد. تقاضا برای کالاهای لوکس می‌تواند فقدان سرمایه‌گذاری در ظرفیت تولیدی ایجاد کرده و با محدودیت‌های عرضه منجر به تورم شود.

البته توجه به این نکته ضروری است که همه بحران‌های

تورمی را نمی‌توان به سیستم اقتصادی حاکم در یک کشور

نسبت داد. تورم می‌تواند ناشی از عوامل خارجی مانند بلایای طبیعی، رویدادهای ژئوپلیتیکی یا تغییرات قیمت جهانی در کالاها باشد.

برخی اقتصادها برای مدیریت تورم از طریق ترکیبی از سیاست‌های پولی و مالی و همچنین اصلاحات ساختاری موفق بوده‌اند. در ادامه برخی نمونه‌های موفق در زمینه کنترل تورم در کشورهای مختلف را ذکر می‌کنیم. چندین نمونه موفق از کشورهایی که توانسته‌اند تورم را کنترل کنند وجود دارد؛ آلمان در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، برزیل در دهه ۹۰ قرن بیستم و شیلی در اوایل قرن بیستم یک نمونه‌هایی است که در اینجا به‌صورت مختصر بررسی می‌شود.

نمونه آلمان

آلمان بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم و در دوره‌ای که این کشور شدیداً از جنگ متأثر شده بود، به‌دلیل ترکیبی از عوامل از جمله غرامت ناشی از جنگ، کمبود کالا و خدمات و افزایش عرضه پول، تورم بالایی را تجربه کرد. با این حال، در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آلمان یک سیاست ضد تورمی موفق را اجرایی کرد و توانست تورم را تحت کنترل درآورد. یکی از دلایل اصلی تورم در آلمان در دهه ۱۹۵۰، سیاست دولت برای تأمین مالی

بررسی راه‌های مقابله با نوسان قیمت‌ها در کشورهای مختلف

رام کردن غول تورم در جهان

مسائل اقتصادی نگاه کنیم، مسئله اقتصادی دیگر به اصطلاحات تخصصی محدود نمی‌شود بلکه به همه جنبه‌های زندگی انسان مربوط است. «تورم» چیست و چگونه زندگی افراد را متأثر می‌کند؟ برای رهایی از آن، چه باید کرد و چه تجربیاتی در این زمینه وجود دارد؟ در این مطلب سعی داریم تا به‌صورت مختصر «تورم» و تأثیرات آن بر زندگی افراد و همچنین نمونه‌هایی از آن را در جوامع مختلف بررسی کنیم.



تورمی و افزایش اعتماد به ارز را ایجاد کرد.

در نهایت دولت برزیل با اجرای «اصلاحات ساختاری» موفق به کنترل تورم شد. خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و آزادسازی اقتصادی بخشی از این اقدامات بود که به ارتقای رشد اقتصادی و کاهش بار مالی دولت منجر شد. در مجموع، ترکیب یک واحد پولی جدید، مسئولیت مالی، سیاست پولی محکم و اصلاحات ساختاری کنترل تورم در برزیل در دهه ۱۹۹۰ را در پی داشت. بالاخره این کشور توانست به ثبات اقتصادی دست یابد و با جذب سرمایه‌گذاری خارجی به رشد و توسعه اقتصادی ادامه دهد.

نمونه ژاپن

ژاپن در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با تورم بالایی دست‌وپنجه نرم می‌کرد که ترکیبی از عوامل مختلف مثل سیاست‌های پولی انبساطی، مخارج کسری دولت و شوک‌های خارجی همچون بحران نفت آن را به وجود آورده بود. البته می‌توان سیاست‌های پولی اتخاذ شده در این دوره را عامل تأثیر گذارتری نسبت به سایر عوامل دانست.

برای توضیح بیشتر باید گفت که در دهه ۱۹۷۰ ژاپن با اتخاذ یک سیاست پولی انبساطی برای رشد اقتصادی و مقابله با اثرات شوک‌های خارجی اقتصاد خود را تحریک کرد. در این دوران، اقتصاد ژاپن به‌سرعّت در حال رشد بود و دولت سیاست‌هایی را با هدف ارتقای توسعه اقتصادی دنبال می‌کرد. برای تأمین مالی رشد اقتصاد و هزینه‌های مالی دولت، بانک ژاپن (BOJ) یک سیاست پولی تطبیقی شامل پایین نگه داشتن نرخ بهره و افزایش عرضه پولی را در دستور کار قرار داد. سیاست موفقی که به استقراض، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی دامن زد اما فشارهای تورمی اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در اقتصاد ژاپن راهم ایجاد کرد.

برای حل مشکل تورم و کنترل آن، بانک ژاپن مجموعه‌ای از اقدامات را اجرا کرد. نخستین اقدام در این راستا اتخاذ یک «سیاست پولی فشرده» شامل افزایش نرخ بهره و محدود کردن رشد عرضه پول و افزایش قیمت‌ها را فشارهای تورمی و افزایش اعتماد به ارز ملی کمک کرد. دومین اقدام «اصلاحات مالی» بود که مجموعه‌ای از اقدامات اصلاحی مرتبط با دولت را در زمینه کاهش مخارج دولت و افزایش درآمد‌ها شامل می‌شد.

این امر به کاهش کسری بودجه و نیاز به ایجاد پول برای تأمین مالی مخارج دولت کمک کرد.

دیگر سیاست ژاپن در این زمینه «اصلاحات ساختاری» است. دولت ژاپن یک‌سری اصلاحات ساختاری از جمله مقررات زدایی از اقتصاد و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را اجرا کرد که این اصلاحات به ارتقای رشد اقتصادی و کاهش بار مالی دولت کمک کرد. اقدام مهم دیگر بانک مرکزی ژاپن برای کنترل تورم «مدیریت نرخ ارز» بود.

دولت برای مدیریت نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات بیش از حد، در بازار ارز مداخله کرد. این کار فشارهای تورمی را کاهش و اعتماد به ارز ملی را افزایش داد. به‌طور کلی، ترکیبی از سیاست‌های پولی سخت، اصلاحات مالی، اصلاحات ساختاری و مدیریت نرخ ارز، تورم را در ژاپن کنترل کرد و در نتیجه این کشور توانست به ثبات اقتصادی دست یابد و مسیر رشد اقتصادی خود را پی بگیرد.